وحدت جهان اسلام ضرورت مقابله با جریانات افراطی و تکفیری

«وحدت جهان اسلام ضرورت مقابله با جریانات افراطی و تکفیری»

حجه الاسلام و المسلمین شیخ عبدالخالق حمادی

چکیده

بدخواهان و دشمنان اسلام با توطئه افکنی های خود در تلاش برای بر هم زدن معادلات منطقه ای و تضعیف جایگاه کشورهای اسلامی و ایجاد تفرقه در میان امت اسلامی هستند و امروز با شدت بیشتری این گونه اقدامات را دنبال می کنند و مهمترین راهکار مقابله با جریانات افراطی و تکفیری همانا وحدت در میان امت اسلامی است که به طور مستمر از سوی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) نیز مورد تأکید قرار گرفته و تنها با این رویکرد می توان در مقابل گروه های تروریستی که با جنایات خود بر علیه ملت مظلوم منطقه ، چهره واقعی و رحمانی اسلام را خدشه دار کرده اند مقابله نمود. مسلمانان با بهره گیری از آموزه های دینی و تاریخی اسلام و در پرتو عبودیت و بندگی در برابر تنها خالق هستی و تمسک به وحدت، ایثار و همبستگی، پدیده شوم تکفیر، جهالت و افراط گری را ریشه کن کرده و پیام وحدت بخش و رحمانی دین مبین اسلام که مورد نیاز جهان پرتلاطم امروز است متجلی و جلوه گر کنند. اندیشمندان، علماء و فرهیختگان جهان اسلام نقش مهمی در تبیین و تشریح دقیق و درست تعالیم و آموزه های دینی بر عهده دارند که می تواند در روشنگری امت اسلامی برای مقابله و مبارزه با القائات ، شبهه افکنی ها و

انحرافات موثر واقع گردد و باید در این زمینه برنامه ریزی و اقدامات جدی صورت پذیرد و امیدوارم در نشست های علمی و تخصصی میان صاحبنظران این مهم بیش از گذشته و با استفاده از ابزارهای موثر رسانه ای تحقق یابد.

مقدمه

یکی از نشانه‌های برجسته پویایی انقلاب اسلامی وقوع تحولات مثبت و منفی منطقه‌ای و بعضاً فرامنطقه‌ای مرتبط با آن است. دشمنان اسلام و انقلاب پیوسته از زنده، پویا و بالنده بودن انقلاب اسلامی که حامل پیام‌هایی برضد دشمنان بشریت است، احساس خطر می‌کنند. این احساس خطر از گذشته عامل اصلی توطئه‌های دنباله‌دار علیه انقلاب اسلامی بوده که همچنان ادامه دارد. با افزایش توانمندی‌های نظام اسلامی و قدرت بازیگری آن در تحولات مهم منطقه‌ای و نیز کوتاه نیامدن در برابر دشمنانش، آنها نیز با احساس تهدید و خطر بیشتر، بر روند دشمنی و توطئه‌گری خود افزوده‌اند. در حال حاضر آخرین اقدام دشمنان علیه انقلاب که بسیار خطرناک هم به نظر می‌رسد خلق و برنامه‌ریزی حول تفکر «تروریسم تکفیری» است.

تجربه‌ها محصول آزمون‌ها و خطاها هستند و پس از تثبیت و به‌کارگیری در مسائل مشابه و برهه‌های مختلف و سنجش میزان کارآمدی‌شان به همراه تغییراتی ارتقا پیدا می‌کنند و یا به اقتضای وضعیت‌های مختلف از اساس دگرگون می‌شوند و سپس با به‌کارگیری‌های دوباره تکرار می‌شوند. عوامل متعددی در ایجاد این تغییرات نقش دارد؛ اما در این میان برای تغییرات کارساز و برجسته ایده‌ها و دیدگاه‌های متقاعدکننده و متناسب با وضعیت و برخوردار از زمینه‌های گوناگون، نقش اصلی دارند. بر این اساس توطئه‌دشمن برای راه‌اندازی جنگ داخلی در اوائل انقلاب، تجزیه کشور، حمله نظامی از خارج (تجاوز نظامی صدام)، تهاجم فرهنگی، فروپاشی از درون، شورش اجتماعی (فتنه ۸۸) و… معنا و مفهوم خاص و دقیق و دارای پشتوانه راهبردی پیدا می‌کند. اساس این تفکر بر ترور و اختلاف استوار است و اختلاف بر ترور تقدم دارد. مقوله «اختلاف» در جغرافیای اسلام تقریباً عمری به قدمت زمان بعثت پیامبر اعظم(ص) دارد

و چه بسا وجود چنین پیشینه طولانی با بهانه‌های عدیده برای «اختلاف» دشمنان اسلام را به بهره‌برداری حداکثری از این «اختلاف» سوق داده است تا آنجا که کشورهای مغرب زمین پس از درک خسارات «اختلاف» در آن دیار و کنار گذاشتن تدریجی آن به فکر استفاده از «اختلاف» در جهان اسلام افتادند و از این طریق سلطه خود را در راستای غارت و تاراج ثروت مسلمانان و جلوگیری از یکپارچگی و توانمندی آنها، تحکیم بخشیدند و با ابزار کارآمد «اختلاف» هر ندای وحدت‌بخشی که در جهان اسلام بلند شد با نوعی از اختلاف‌آفرینی خفه کردند و از بین بردند. دشمنان انقلاب اسلامی با آزمودن چندباره روش اختلاف‌آفرینی در ایران و شکست‌های پی‌درپی، آن را تا حدی مسکوت گذاشتند؛ اما با بروز برخی تحولات منطقه‌ای که برای حوزه منافع مشترک صهیونیسم، آستکبار و ارتجاع تهدید بود آن را در شکل جدید و خشن فعال کردند. این شکل جدید ترکیبی از ترور و اختلاف است که تفکر تکفیری وهابی برای به اجرا گذاشتن آن از انگیزه و سابقه لازم برخوردار است.

فعال شدن «تروریسم تکفیری» از عهده یک کشور به تنهایی برنمی‌آمد و برای انجام آن نیاز به شراکت مجموعه‌هایی بود که از اجرای آن نفع مشترک می‌بردند. مقابله با انقلاب اسلامی نقطه مشترک صهیونیسم،

استکبار و ارتجاع بود. علت پذیرش رویکرد به «تروریسم‌تکفیری» برای مقابله با انقلاب اسلامی سه نکته بود: ۱ـ جواب ندادن روش‌هایی که درگذشته تجربه شده بود. ۲ـ برخی تحولات مهم در منطقه . ۳ـ غلبه تفکر تضعیف انقلاب اسلامی با زدن شاخ و برگ‌های بیرونی و حرکت به سمت داخل. این عوامل، مثلث جنایت و وحشت را با حضور رژیم صهیونیستی، آمریکا و وهابیت با محوریت عربستان شکل داد. این مثلث شوم و خبیث با حمایت همه جانبه از فعالیت «تروریسم تکفیری» درصدد دادن پاسخ مقابله‌جویانه به انقلاب اسلامی در چهار محور ذیل برآمد تا از طریق آن انقلاب را با چالش جدی مواجه سازد. الف ـ شکل‌گیری وحدت اسلامی شاید یکی از علل اصلی استقبال مردم مسلمان از اندیشه‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی و حتی پدیداری آن با سرنگون کردن حکومت طاغوت، ادبیات وحدت‌گرایانه و به دور از هرگونه نگاه اختلافی به فرق مختلف امت اسلام بود. افزون بر پرهیز از هر حرکت اختلاف‌برانگیز، انقلاب اسلامی با داشتن داعیه شکل دادن واقعی به امت اسلامی برای مقابله با دشمنان اسلام، مدام ندای وحدت و یکپارچگی سرمی‌داد و اتحاد اسلامی را از راهبردهای اساسی‌اش اعلام می‌کرد. هر سه ضلع مثلث شیطانی مذکور از این ندا وحشت کردند. رژیم صهیونیستی متوجه شده بود در صورت تحقق چنین وحدتی هیچ امیدی برای ادامه حیات ددمنشانه‌اش وجود ندارد، آمریکا دریافته بود چنین وحدتی طومار سلطه‌و چپاول غرب را پس از سال‌ها لوله و نابود می‌کند، کشورهای مرتجع عربی نیز یقین داشتند به پایان راه

می‌رسند. ب ـ تقویت روزافزون جبهه مقاومت جبهه‌گیری نظری وعملی انقلاب اسلامی علیه رژیم صهیونیستی نشان داد که این انقلاب در مقابله با این رژیم پلید بسیار جدی و مصمم است و به هیچ وجه حاضر نیست چنین رژیم جعلی، جانی و غاصب را که با فجیع‌ترین رفتار با مسلمانان، سرزمین آنها را اشغال و غصب کرده، تحمل کند. انقلاب اسلامی اندکی پس از انقلاب برای نشان دادن جدیتش در دشمنی تمام‌عیار با رژیم صهیونیستی به کمک‌های مختلف به سازمان‌های فلسطینی و تقویت روابط با کشورهایی مانند سوریه که در مقابله با صهیونیست‌ها ثابت‌قدم و استوار بودند و بعدها کمک به شکل‌گیری مقاومت لبنان با محوریت حزب‌ا‌ و تشکیل جبهه قدرت‌مند مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی که از دستاوردهای آن بر هم زدن معادله قدرت بین رژیم صهیونیستی و جبهه مقاومت در جنگ‌های ۳۳ روزه، ۲۲ روزه و ۸ روزه بود، روی آورد. این اقدام، کیان رژیم صهیونیستی را در معرض هلاکت و نابودی قرار می‌داد و آمریکا را تحقیر و منفعل می‌ساخت و با بلندآوازه‌تر کردن نام جبهه مقاومت در جهان اسلام، عربستان پر مدعا را به پایین‌ترین ردیف کشورهای اسلامی مدعی مقابله و مبارزه با رژیم صهیونیستی می‌کشاند با این تفاوت که در جهان اسلام تنفر از حکومت پادشاهی عربستان افزایش می‌یافت.

ج ـ بیداری اسلامی وقوع بیداری اسلامی در غرب آسیا و شمال آفریقا با دو دیدگاه تحلیلی همراه شد: دیدگاه سطحی که بیشتر جنبه تبلیغی داشت و تلاش می‌کرد آن را اتفاقی طبیعی و نتیجه برخی حوادث جلوه دهد و نام «بهار عربی» را بر آن گذاشت که غالب غربی‌ها و بسیاری از رسانه‌ها و مقامات و تحلیل‌گران کشورهای عربی این دیدگاه را داشتند وترویج می‌کردند و دیگری دیدگاه عمیق و واقعی بود که تلاش می‌کرد، بیداری اسلامی را براساس یکسری مبانی منطقی تحلیل و تبیین کند. این دیدگاه نام این حرکت را «بیداری اسلامی» گذاشت و آن را نتیجه تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران دانست. افراد نادری در غرب و در کشورهای عربی و بسیاری در ایران اسلامی با اعتقاد به این دیدگاه از مروجان آن بودند. مناقشه بر سر اسم تنها نزاع بر سر الفاظ نبود، زیرا غلبه هر یک می‌توانست در تأثیرگذاری و ماندگاری آن نقش جدی داشته باشد با نام «بهار عربی» این حرکت ابتر و پایان یافته و در حد یک اتفاق سیاسی روبنایی خلاصه و تمام شده تلقی می‌شد در حالی که این حرکت با نام «بیداری اسلامی» حرکتی ریشه‌دار و ادامه‌دار باقی می‌ماند و با تأثیرگذاری بر سایر کشورهای عربی اسلامی به پیش‌می‌رفت و تحولات عمده‌ای ایجاد می‌کرد. در هر صورت ادامه بیداری اسلامی ضربات بسیار سنگینی را بر پیکر اضلاع این مثلث وارد می‌کرد تا جایی که احتمال داشت این ضربات نابودی رژیم صهیونیستی و

تحولات بنیادی در حکومت پادشاهی آل‌سعود را تسریع و دامنه نفوذ چپاولگرانه آمریکا در منطقه را تا حد زیادی جمع می‌کرد.

د- متزلزل شدن حکومت‌های مرتجع عربی انقلاب اسلامی از لحاظ زمانی مصادف با حکومت‌هایی در کشورهای عربی بود که حاکمان مرتجع آن خود را مسلمان و تابع احکام اسلام و دشمن رژیم صهیونیستی و حامی ملت مظلوم فلسطین معرفی می‌کردند که در بین آنها ادعای حکومت آل‌سعود بیش از دیگران بود. حاکمان این کشورها تا پیش از انقلاب اسلامی با ظاهرسازی توانسته بودند میزان وابستگی به دشمنان اسلام، مماشات با رژیم صهیونیستی، کوتاهی در دفاع از ملت فلسطین، خیانت به مردم خود و زیر پا گذاشتن آموزه‌های قدسی اسلام را پوشیده نگه‌دارند؛ اما با وقوع انقلاب اسلامی و ورود صادقانه و شجاعانه و مبتنی بر آموزه‌های دینی به حوزه‌هایی که برشمرده شد، مردم این کشورها و مردم سایر کشورهای اسلامی تا حد زیادی متوجه واقعیت‌ها و خیانت‌های این مدعیان دروغین شدند و آنها از این طریق احساس خطر کردند. باقی‌نماندن پیام‌ها و ادعاهای انقلاب اسلامی در حد شعار و ورود پرشور به میدان عمل، این سردمداران را که به گذرا بودن سرو صدای انقلاب اسلامی دلخوش کرده بودند، بیشتر نگران کرد پس از تثبیت انقلاب و پس از اینکه آنها به تحکیم و ماندگاری انقلاب پی‌بردند، کمر به نابودی انقلاب بستند. رژیم صهیونیستی و آمریکا نیز که سرنگونی این امیران و پادشاهان را به ضرر خود می‌دیدند افزون بر انگیزه‌های خاص برای دشمنی با ایران با آنها هم داستان شدند.

ه ـ وحدت بر مبنای توزیع کار مثلث شیطان صهیونیسم، استکبار و ارتجاع به سبب بیداری اسلامی در منطقه در یک تقاطع تاریخی به شکل جبری برای ضربه زدن به انقلاب اسلامی و شرکای پیرامونی آن بر محور «تروریسم تکفیری» به وحدت نظری و عملی رسیدند و سوریه به‌عنوان قربانی بزرگ این وحدت انتخاب شد. در توزیع کار انجام شده صهیونیست‌ها وظیفه داشتند با خویشتن‌داری و عدم مداخله نظامی جدی باعث تحریک امت اسلامی نشوند و فقط با برخی بهانه‌ها، اقتضایی عمل کنند. آمریکا وظیفه داشت تا از ابزار تهدید و نفوذ سیاسی برای زمین‌گیر کردن سوریه استفاده کند. در این میان نقش اصلی به عربستان داده شد تا با استفاده از زمینه‌های اعتقادی، اختلاف‌انگیزی و صرف هزینه‌کلان، «تروریسم تکفیری» را تجهیز و تسلیح شده با پرچم به اهتزاز درآمده تکفیر مسلمانان برای جنگ‌افروزی و کشتار مسلمانان عازم سوریه کردند. به زعم آنها حذف بشار اسد منجر به حذف حزب‌ا‌ و تسلیم گروه‌های مقاومت فلسطینی و مرعوب شدن سایر کشورهای نزدیک به ایران و در نهایت انزوا و تضعیف انقلاب اسلامی و تأمین منافع مشترک اضلاع مثلث شیطانی جنایت‌آفرین خواهد شد.

2. سير تحول تكفيری

سلفي‌ها روايات خود را مستقيما از احمد بن حنبل ، احمد بن تيميه، ابن القيم الجوزيه و محمد بن عبدالوهاب تميمي نجدي مي‌گيرند. سلفيه بعد از محمد بن عبدالوهاب به صورت يک شكل و ساختار سياسي درآمد و هم پيماني وي با محمد بن سعود پايه گذار حاكميت آل سعود در عربستان به اين روند تسريع بخشيد. پيوند ميان علما و حاكمان سعودي گرچه دچار تغيير و تحول شده است و شيوخ وهابي از برخي اختيارات خود از جمله بازداشت و امر قضا بازماندند اما در عين حال هنوز هم از وضعيت و جايگاه خوبي در نظام سياسي سعودي برخوردار هستند. علاوه بر سرزمين حجاز، مصر نيز از تغيير و تحولات عقيدتي بركنار نماند و سلفي هاي اين كشور با اقدامات و فعاليت‌هاي حسن البناء و جنبش اخوان المسلمين، سير جديد ي در آموزه هاي عقيدتي اهل سنت تجربه كردند و باب هاي جديدي براي اين گروه جهت گشودن روزنه‌هاي محدود اجتهاد باز شد. اما با مرگ زودهنگام حسن البناء جنبش اخوان المسلمين تحت تأثير انديشه‌هاي دو شخصيت، به نام‌هاي ابوالاعلي مودودي و سيد قطب قرار گرفت و آنها ضمن تثبيت روش پاي بندي به متون ديني بر اساس ديدگاه هاي خاص فقهي خود، ديدگاه تكفير را پي ريزي كردند.

سيد قطب كه تحت تأثير انديشه هاي ابن قيم جوزي در خصوص رفتار با اهل كتاب بود اين اعتقاد را داشت كه اهل كتاب تا زماني كه جزيه پرداخت مي كنند مي توانند در سرزمين هاي اسلامي با آرامش زندگي كنند در غير اين صورت مسلمانان بايد با آنان به جهاد بپردازند. حمايت عربستان و كشورهاي حاشيه اي خليج فارس هماهنگي فراواني ميان سلفيون سنتي و جنبش اخوان‌المسلمين ايجاد كرد. از سويي ديگر ديدگاه ضد سوسياليسم سلفيون جديد به خصوص در جريان جنگ‌هاي نيروهاي جهاد افغانستان با شوروي مورد توجه شيوخ وهابي عربستان قرار گرفت.

2.1. رشد جريان تكفيري

در نهايت سلفيه با اعلام تشكيل جبهه جهاني اسلام براي جهاد با يهوديان و صليبي‌ها به رهبري بن‌لادن عربستاني و ظواهري مصري بيش از پيش توجه به گرايش‌هاي مبارزاتي را مورد توجه خود قرار داد. بي ترديد حادثه 11 سپتامبر نقطه عطف در تاريخ تحولات معاصر است. جريان اسلام سلفي كه بعد از عربستان سعودي در قالب جنگجويان طالباني ظاهر شده بود منافع بسياري از كشورهاي منطقه را به خطر انداخت.

قرائت خشن و متحجرانه از سنت نبوي و برداشت هاي ظاهري از آيات قرآن، طالبان را بر آن داشت كه حتي براي مخالفان فكري و سياسي خود نيز تعيين تكليف كنند و رسالتي فراتر از قد و اندازه خود در نظر بگيرند. اين جريان فكري خود را در محدوده جغرافيايي افغانستان محدود نكرد بلكه براي خود مسئوليت اشاعه تعاليم اسلام مبتني بر قرائت سلفي به ساير كشورهاي منطقه را در نظر گرفته بود. اين گروه ضمن اختلاف نظر با ساير گروه هاي سني، سرسختانه نسبت به شيعيان كينه مي ورزيد و به همين خاطر به مراتب سياستي خشن در قبال آنان به كار برد. حوادث 11 سپتامبر باعث ارتقاي جايگاه راهبردي گروه هاي نظامي و شبه نظامي و محوريت قرار گرفتن تفكر القاعده شد. چنين پديده اي از زمان پيدايش، عمدتا از سوي تفكر استراتژيک كاخ سفيد مورد حمايت قرار گرفت اما بعدها با توجه به اصطكاک منافع آنان در منطقه، نزاعي عميق ميان آنان درگرفت و در نهايت باعث تهاجم نظامي آمريكا به افغانستان شد.

علاوه‌بر افغانستان، يكي ديگر از مراكز رشد سلفي گري، لبنان است. جريان سلفي شام در دمشق توسط ناصرالدين الالباني ظهور كرد. تفكر سلفي در اواخر دهه 50 توسط تعدادي از طلاب مراكز ديني عربستان به لبنان راه يافت. مهم‌ترين اين افراد شيخ سالم الشهال و شيخ عبدالرزاق الزغبي بودند. اين دو نفر طرابلس را به مركز گسترش و ترويج تفكر سلفي در تمام مناطق لبنان تبديل كردند. فعاليت سلفي‌ها در لبنان از طرابلس شروع شد. از سال 1977 سلفيه به نحو چشمگيري توسط افرادي كه محورشان شيخ سالم الشهال بود، فعال شد. در سال 1981 به صورت تشكيلات منظم و سازمان يافته، فعاليت خود را شروع و جمعيت نواه الجيش اسلامي را بنيان گذاري كردند. اين تشكيلات در كنار ساير تشكيلات و نيروهاي اسلامي سني كه عرصه را تحت سيطره خود داشتند از جمله جنبش توحيد اسلامي يا جماعت اسلامي حضور كم رنگي داشتند. با فروپاشي جنبش توحيد اسلامي بعد از حوادث طرابلس در سال 1985 سلفي ها امكان توسعه و گسترش بيشتري يافتند و توانستند ويژگي‌هاي عقيدتي خود را به عنوان يک جماعت مستقل ابراز كنند. حضور آنان به طور متمركز و قوي در طرابلس و برخي مناطق شمال از جمله عكار و الضنيه به چشم مي‌خورد. در كل، مناطق شمال به علت استقرار اكثر شخصيت‌ها و موسسات سلفي لبناني براي سلفي‌ها اهميت خاص دارد. همچنين حوادث سال‌هاي اخير كه در اين مناطق بين دولت و سلفي‌ها روي داده است مانند حوادث ظنيه، انفجار كليساها و حمله به منافع غربي‌ها و غيره و به تبع آن تحولات و اقدامات امنيتي دستگاه‌هاي دولتي، شمال را به پايگاه و مركز تجمع سلفي‌ها تبديل كرده است.

در اواسط دهه 90 جنبش سلفيه دستخوش بحران‌ها و حوادث تعيين كننده اي شد كه به تضعيف فعاليت آن انجاميد. زيرا دستگاه امنيتي لبنان به علت بمب گذاري‌ها و جنايات و ترورهايي كه پيروان اين جنبش مرتكب مي‌شدند آنها را تحت فشار قرار داد. پس از وقوع حوادث 11 سپتامبر در سال 2001 فشارهاي امنيتي بر گروه‌هاي سلفي تشديد شد. با بررسي پراكندكي جمعيت ها، مدارس و مراكز آموزشي و ديني

سلفيه و نيز ساخت مساجدي در روستاهاي فقير و استفاده از اين مساجد براي تبليغ مذهب سلفيه ميتوان به روند گسترش چشمگير سلفيها در شمال لبنان پي برد. حجم رشد و گسترش سلفيه را در اين مناطق ميتوان با انجام مقايسههاي ساده دريافت. براي مثال از مجموع هفتاد مسجد در شهر طرابلس، 16 مسجد متعلق به سلفيها است در حالي كه دارالافتاء با وجود انبوه امامان تابع خود فقط 13 مسجد و جنبش توحيد و جماعت هر يک فقط 7 مسجد را در اختيار دارند. در عكار حدود 210 مسجد وجود دارد كه در روستاها و شهرهاي كوچک پراكنده اند. از اين تعداد 27 مسجد متعلق به وهابيها است كه در آن به انجام وظايف نماز جماعت و تدريس ميپردازند.

جريان مشكوک فتح الاسلام در لبنان و تحريكات نظامي اين گروه در اردوگاه نهر البارد نيز ناشي از تلاشهاي جريان هاي افراطي اهل سنت براي تاثيرگذاري در تحولات منطقه به خصوص لبنان بود. گزارش ها حاكي از آن بود رهبري اين جريان به عهده فردي بنام "ابوخالد العلمه " بود كه سابقه عمليا ت تروريستي در عراق و همكاري با "ايمن الظواهري و زرقاوي " را داشت. وي بواسطه برخي اقدامات خرابكارانه عليه شيعيان تحت تعقيب قرار گرفت و مدتي نيز در سوريه زنداني شد.

وي بعد از آزادي از زندان با همكاري يک اردني فلسطيني تبار بنام شاكر العبيسي اقدام به تاسيس گروه فتح اسلام كرد. العبيسي كه در سال 1970وارد سازمان فلسطيني فتح شده بود اما بعدها جزو گروه هاي شورشي عليه عرفات درآمد و در سال 1990به القاعده پيوست. وي در سوريه تحت تعقيب بود و در مدت سه سال در زندان به سر برد. العبيسي بعد از آزادي از زندان با زرقاوي ملاقات داشت و در نهايت بعد از توافق با العلمه گروهي با نام فتح الاسلام شكل گرفت. اين گروه وارد خاک لبنان شد و اقدامات تروريستي متعددي را در اين كشور مانند انفجار ميني بوس حامل مسافران، برهم زدن اعتصابات ضد سينوره و اختلاف بين شيعه و سني انجام داد. پرونده گروه فتح الاسلام در نهايت با دخالت دولت سينيوره و خويشتن داري حزب ا لبنان بسته شد اما كارشناسان و صاحنظران سياسي اين تلاش ها را در راستاي كاهش اقتدار حزب ا ارزيابي كردند. براساس نظر تحليل گران، آنچه در لبنان روي داد بخشي از سناريوي ناتمام آمريكايي- اسرائيلي بود كه در سياست آزمون و خطا از زمان جنگ سي و سه روزه در سال گذشته با قوت بيشتر در حال تجربه شدن بود.

2.2. مسئله عراق

از ديگر نقاطي كه، جريان تكفيري ها به صورت فعال در حوادث سياسي نقش آفريني مي كنند سرزمين اشغال شده عراق است. در حال حاضر يک دولت شيعي در اين كشور در راس امور اجرايي عراق قرار دارد اما حضور عناصر شيعي منافع برخي از سران منطقه، بعثي ها و گروه هاي تندروي سني مذهب اين كشور را به مخاطره انداخته است. با توجه به وجود خاطره هشت سال دفاع ايران از مرزهاي خود و حمايت همه جانبه سران عرب منطقه از صدام حسين در جنگ تحميلي، تصويري از ديكتاتور بعثي به عنوان سرداري مدافع عربيت و مذهب اهل سنت در برابر خطر عجم هاي شيعي مسلک در باور سنيان عراق و سايركشورهاي منطقه چنان نفوذ كرده بود كه تصور مي كردند حضور ايرانيان در عراق و برقراري پيوند مستحكم ميان شيعيان منطقه، حيات سياسي عرب و نفوذ مذهب اهل سنت را به خطر خواهد افكند. گذشته از اين، چون حوادث پيش آمده باعث تضعيف حزب بعث شده بود براي رهايي از اين تنگنا، اتحادي استراتژيک ميان سنيان ناراضي و عناصر حزب بعث شكل گرفت. از بعد مذهبي نيز القاعده امكان بيشتري را براي جولان دادن در مناطق سني نشين يافت. از اين پس، روند خشونت در عراق شتاب بيشتري به خود گرفت و تكفيري ها در اين كشور عرصه را براي اقدامات خود مناسب ديدند. گرچه وقوع جنگ مذهبي در خاورميانه تازگي ندارد اما افزايش چنين نزاع هايي در پاكستان و عراق به يک نگراني عمده تبديل شده است و متاسفانه نشست هاي مشترک شيعه و سني كه آخرين آن كنفرانس مكه در مهره ماه 85 بود نتيجه اي قابل ملاحظه دربر نداشته است.

يكي از عوامل مهم درگيري هاي خونين منطقه، بحث تكفير شيعيان و مطرح كردن آن از سوي علما و روحانيون افراطي وهابي و سلفي است كه باعث قرباني شدن بسياري از شيعيان بي گناه در منطقه شده است. جالب اينجاست كه به جاي برخورد مناسب و معقولانه با اين پديده و اعلام برائت از اقدامات خشن و سركوبگرايانه، در آذر ماه 1385 سي و هشت نفر از علماي سلفي عربستان سعودي در بيانيه اي ضمن ابراز تاسف از سقوط بغداد آن را توطئه مشكوک صليبيون، روافض و صفويان دانستند و هدف از آن را حفاظت و حمايت از اشغالگران و تحديد نفوذ اهل سنت در منطقه و ايجاد هلال شيعه و تجزيه عراق به سه منطقه كردي، شيعي و سني خواندند. كاملا مشخص بود كه در اين نوع تقسيم بندي روافض يعني شيعيان، صفويان همان ايرانيان و اشغال گران نيز سربازان صليبي هستند.

يكي از بهانه هاي مهم علماي اهل سنت براي بكارگيري حربه تكفير عليه شيعيان بحث غلو در مورد ائمه اطهار است. توهين به صحابه و همسران پيامبر، عدم دخالت اهل سنت در مناصب سياسي، ممانعت از احداث و تاسيس مسجد در برخي از مراكز شهري مدعيات سنيان در مورد حكومت شيعي ايران است. غربي ها نيز اين اختلافات را از نظر دور نگه نداشته و ضمن ايجاد شرايط براي اختلاف انگيزي ميان شيعه و سني ترس موهم از اسلام را نيز مطرح كردند.

سازمان ها و جنبش هاي متعددي كه حول محور القاعده در عراق فعاليت مي كنند، عبارتند از:

1 - سازمان قاعده الجهاد في بلاد الرافدين

اين سازمان خطرناک ترين گروه تروريستي عراق است كه اساس فعاليت هاي آن شامل بمب گذاري خودروها، ترور و آدم ربايي، كشتن بي گناهان، سربريدن و مثله كردن اجساد است. اين سازمان ارتباط مستحكمي با سازمان هاي نظامي بعثي مثل "ارتش اسلامي عراق - گردان هاي ثوره العشرين " دارد و با سازمان هاي تروريستي جهاني هم ارتباطات مستحكمي دارد.

حوزه فعاليت اين سازمان مناطقي چون انبار، موصل، تكريت، ديالي و حومه هاي جنوبي و شمالي و غربي بغداد است. ساختار نظامي آن را غيرنظاميان افراطي داخلي و خارجي تشكيل مي دهد و از بدو تاسيس رهبري آن به عهده ابومصعب زرقاوي بود.

2-ارتش انصار السنه

اين جمع از سني هاي افراطي تشكيل شده و اعضاي آن را سني هاي افراطي عراقي و غيرعراقي و برخي از عناصر رژيم سابق تشكيل مي دهند. حوزه فعاليت اين گروه مركز و شمال عراق است و از هم پيمانان سازمان "قاعده الجهاد في البلاد الرافدين "است. محمد الجحيشي از رهبران برجسته اين گروه به حساب مي آيد.

3-ارتش اسلامي عراق

اين گروه از اسلام گرايان افراطي و عناصري از رژيم سابق تشكيل شده است. حوزه فعاليت اين گروه مركز عراق است ضمن اينكه در موصل و بصره هم هسته هايي دارد.

4-حزب التحرير

هدف اعضاي اين گروه ايجاد حكومتي خلافتي در عراق و بيرون راندن كفار از عراق است. اين گروه با سازمان "قاعده الجهاد في بلاد الرافدين " در ارتباط است و حوزه فعاليت آن ديالي و برخي از بخش هاي بغداد است.

5-جيش الطائفه المنصوره

اين گروه در اواخر ژوئيه 2005 ظهور كرد. پرتاب خمپاره به سمت زائران امام موسي كاظم در تاريخ 13آگوست 2005 از سوي اين گروه بر عهده گرفته شد و اولين بيانيه آن در تاريخ 26ژولاي2005 از طريق اينترنت منتشر شد و در آن ادعا شد كه اين گروه پس از سقوط رژيم صدام تاسيس شده است. فرمانده آن گروه "ابوعمر انصاري " است و ابوسامه نيز سخنگوي اين گروه است. حوزه فعاليت اين گروه در مناطق الطارميه المشاهده، التاجي، الطيفيه، و عويريج است.

6-گروه ياران اهل سنت (مناصروا و اهل السنه)

اين گروه در ژوئن 2005ظهور كرد و بيانيه تاسيس آن در تاريخ 13ژوئن 2005 صادر شد و حوزه فعاليت آن گروه مركز و جنوب عراق (بصره) است و در منطقه الدوره، بغداد و ابورشيد هم فعاليت هايي دارد. اين گروه انفجار كمربند انفجاري در مسجد شيعيان در جاده بغداد به بصره را كه به كشته شدن 46 غيرنظامي منجر شد و همچنين ربودن و قتل رييس اتحاد الكراتيه در بابل را كه يک شيعه بود، بر عهده گرفت. علاوه بر اين تعدادي از اعضاي كادر سازمان بدر (سپاه پدر) در منطقه الطليعه در مسير بغداد به حله را به قتل رساند. گروه ياران اهل سنت قتل بيست نفر را كه از منطقه الدوره در بغداد ربوده شده بودند و جسد آنان در تاريخ 2 آگوست 2005 در منطقه المعالف در جنوب بغداد پيدا شد بر عهده گرفت.

7-سپاه عمر

سازمان "قاعده الجهاد في بلاد الرافدين " در تاريخ 5ژولاي 2005 تشكيل اين گروه را اعلام كرد و مدعي شد قتل اعضاي كادر سازمان بدر توسط آن انجام شده است. رهبر اين سازمان جمال التكريتي است كه "ابواسلام " ناميده مي شود. او از عشيره البوناصر در تكريت و يكي از همكاران زرقاوي است اين گروه تا تاريخ 29 آگوست 2005 انجام 200 عمليات ترور و ترور تعداد زيادي از اعضاي جنبش هاي اسلامي و ملي از جمله منشي دفتر عادل عبدالمهدي و مدير دفتر احمد چلبي را بر عهده گرفته است. انفجار ساختمان موسسه شهيد محراب در تلعفر در تاريخ 23 ژولاي2005 نيز از سوي اين گروه بر عهده گرفته شد.

8-گروه الانصار وابسته به گردان انتحاري براء بن مالک

گروه گردان براء بن مالک مسئوليت 11 عمليات در فاصله زماني 9ژوئن2006 تا 29ژوئن2006 و ?? عمليات

در فاصله زماني 20 تا 17ژولاي2006 از جمله يک خودروي بمبگذاري شده وانفجار يک کمربند انفجاري را بر عهده گرفت.

9- جيش محمد (الحق)

شامل مجموعه اي از تکفيري ها و بعثي ها و طرفدار تبعيض نژادي بر اساس انتسابهاي عشيره اي است. اين گروه براي بازگرداندن حزب بعث اقدام مي کند و شعار آن "حکومت براي اعراب سني عراق است " بوده است.

10-گروه ابوايمن

حوزه فعاليت اين گروه در موصل و فلوجه است. اين گروه در فعاليت هاي خود به تجربه تکفيري هايي متکي است که در گذشته عضو ارتش عراق بودند و دوره هايي را در مدائن واقع در بغداد برگزار مي کنند.

11- گردان زبير بن عوام

حوزه فعاليت اين گروه مناطق ابوغريب، الرضوائيه، خان ضاري و الزيدان است و رهبر آن ابوزبيده البابلي است. اين گروه در تاريخ 26 سپتامبر2005 بيعت خود را با سازمان قاعده الجاد في بلاد الرافدين اعلام کرد ولي در گذشته به گردان هاي ثوره العشرين وابسته بود. شيوه کاري آن بهکارگيري خودروهاي بمبگذاري شده، بمبگذاري و پرتاب موشک است.

12-گردان حسن بصري

اين گروه در تاريخ 31سپتامبر2005 بيعت خود را با القاعده در عراق اعلام کرد و حوزه فعاليت آن در ابوالخطيب، الامتحيه و الزبير است. گروه ياد شده در بصره عمليات هاي تروريستي را بر ضد نيروهاي نظامي انگليسي و عراقي و غيرنظاميان شيعه انجام داده است و شيوه کاري آن بمب گذاري، خودروهاي بمب گذاري شده، عمليات انتحاري و ترور است. گردان حسن بصري براي اولين مرتبه بين آگوست و سپتامبر

2004ظهور کرد و اعضاي آن از عشيره غائم بصره هستند که رويکردي تروريستي دارد. رهبر اين گروه ابوحذيفه عراقي است و بين سپتامبر 2004 تا مارس 2005 اين گروه مسئوليت 24 حمله از جمله 16 مورد بمب‌گذاري و عمليات هاي ترور متعددي را در بصره بر عهده گرفت.

3 - محور راهبردها و راهکارها برای مقابله با تکفیری

اعمال تکفیری هاباعث تخریب چهره جهان اسلام در دنیا است. اگر تکفیریها نسبت به شیعه عنادی هم نمي داشتند ما وظیفه داریم نسبت به انحراف آن ها و رفتارهاي آنها عکس العمل نشان دهیم، هرچند که باید با ارائه تفاسیر غلط آنها از اعتقادات و اعمال شیعه در جهان مقابله شود.

ما باید برای این مسائل چاره ای بیاندیشیم چرا که این یک مسئله زودگذر و یک جغرافیای محدود نیست و اسرائیل وامریکا با پذیرفتن ریسک وخطر مدیریت انها بسیار محکم از تکفیریها پشیبانی می کند.

به حاشیه رفتن مسئله فلسطین، به حاشیه بردن بیداری اسلامی، نزول محبوبیت چهره های شاخص جهان اسلام از جمله حسن نصرا و به انزوا کشاندن جمهوری اسلامی و ایجاد تقابل میان ما با اعراب توطئه هایی هستند که نتیجه اتحاد عربستان با اسراییل است و قصد دارندبا جبهه بندی های انحرافي جبهه اصلي شکل گرفته را تغییر دهند.

مسئله داعش و تکفیری ها یک مسئله ساده نیست چرا که بعد اعتقادی این مسئله ریشه در عربستان و عمق سیاسی آن ریشه در سازمان های جاسوسی آمریکا و اسرائیل دارد.

حوزه های علمیه باید با این مسئله جدی تر درگیر شوند و این موضوع باید یکی از دغدغه های دینی و مسائل مبتلابه، علمای ما در حوزه های علمیه شود هرچند تحرکاتی نظیر برگزاری برخی همایش ها و گردآوری برخی کتب پیرامون این موضوع شکل گرفته است اما کافی نیست.

: همه علمای شیعه و اهل سنت باید نسبت به پدیده های وهابیت و تکفیری ها درگیر شوند چرا که

پتانسیل خوبی در دل علمای اهل سنت برای مقابله با چنین مسائلی موجود است.

فتنه بزرگی در جهان اسلام در حال شکل گیری است که بخش اعتقادی آن باید موضوع مبتلابه حوزه های علمیه شود تا بتوانیم با مدد یکدیگر ریشه های این فتنه را چه در ایران، چه در سوریه و چه در عراق با تمام مقاومت و حمایت دشمن در صحنه های نظامی و دیپلماسی، بخشکانیم.

این مسئله از 25 سال قبل از یک نطفه کوچک به این جا رسیده و امروز دشمن در حال تلاش برای تغییر جهت حرکت تکفیری ها از سمت اروپا به سوی ایران و افغانستان است لذا این موضوع نیازمند یک علاج اساسی است (دکتر محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام)

3.1.باید با آینده‌پژوهی به حل مسأله تکفیر توجه کنیم

در مسأله تکفیر به دو محور راهبردها و راهکارها باید توجه کنیم و با زمینه‌سازی برای پاسخ‌گویی به مسائل تکفیر برای مقابله با جریان تکفیر به سیاست‌های کلان توجه بیشتری داشته باشیم.

ایجاد دفتر مطالعات راهبردی و تحلیل محیطی ماهیت تکفیر ضروری است و برای تبیین ماهیت، جنایت‌ها و وضعیت گروه‌های تکفیری باید به راهبردهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و نظامی توجه کنیم.

3.2.مفهوم شناسی در پدیده‌های امروزی تکفیر ضرورت دارد

با تحلیل محیطی و تعریف کلان پروژه‌ها و محتوای علمی، پدیده‌های امروز تکفیر را بشناسیم و با نشست‌های کوچک اما تأثیرگذر نخبگان علمی جهان اسلام به واکاوی این پدیده شوم بپردازیم.

باید شکاف‌های مذهبی، خلل‌ها و بایسته‌های تقریب ارزیابی شود و فعالیت‌های تقریبی خودمان را در

دوره‌های گذشته نیز آسیب شناسی کنیم.

با بررسی آثار آیت‌ا‌ بروجردی، آیت ا‌ قمی، شیخ عبده، شلتوت، سید جمال اسد آبادی و کسانی که در این راستا گام‌هایی برداشته‌اند قدم‌های جدیدی برداشته شده و پارامترهای برون رفت از وضعیت کنونی را تعریف کنیم.

3.3. پروژه غیریت سازی سلفی‌ها در مقابل شیعیان

با توجه به پروژه غیریت سازی سلفی‌ها در مقابل شیعیان باید نگاه منفی به شیعه را از میان برداریم و با معرفی شیعه معتدل، جاذبه ایجاد کنیم چنان که امام رضا(ع) فرمودند «اگر مردم از محاسن کلام ما آگاه شوند از ما تبعیت خواهند کرد».

3.4. کرسی‌های شیعه شناسی از شرایط و وظایف حوزه علمیه است

با توجه به اقبالی که در جهان نسبت به اسلام ایجاد شده است تشنگی برای شنیدن معارف اسلام و شیعه به وجود آمده است که حوزه علمیه باید از این فرصت استفاده کند.

رشته‌های و واحدهای تخصصی باید در حوزه علمیه، دانشگاه و خارج از کشور ایجاد شود و رحمت و رأفت اسلام به جهان شناسانده شود.

با توجه به رشد و گسترش اسلام در غرب این پروژه اسلام هراسی از سوی دشمنان اسلام پیگیری شد تا با سیاه نمایی اسلام، قرائت تکفیری به عنوان اسلام حقیقی مطرح شود چنان که اسپوزیتو ترس از رشد اسلام را این گونه معرفی می‌کند «در کنار هر کلیسا در غرب، مسجدی ساخته شده است و شهرهای غربی به شهرهای اسلامی تبدیل شده‌اند».

گروه‌های تکفیری با استفاده از رسانه، سیاست وحشت را پیگیری می‌کردند که در ابتدا موفق بودند اما

با این اقدامات ماهیت خودشان را آشکار کردند و در دراز مدت مورد تنفر مسلمانان واقع شدند.

3.5. در رسانه بر جنبه‌های اثباتی بیشتر تأکید داشته باشیم

ما در رسانه باید اهداف غایی را در نظر بگیریم و در پازل دشمن قرار نگیریم چنان با انداختن شبهه‌ای دنبال این رسانه‌ها حرکت کنیم بلکه رسانه تراز اسلامی باید مسائل را تبیین کند و با توجه به نیاز جوامع امروز به معارف، روشنگری داشته باشد.

در رسانه باید بر جنبه‌های اثباتی بیشتر تأکید داشته باشیم و به جریاناتی که به دنبال موج هستند توجه نکنیم بلکه به صورت غیر مستقیم، مسائل را تبیین کرده و به جای نفی کردن، ایجابی عمل کنیم که دامن زدن به شکاف‌ها و طرد کردن‌ها موجب شکاف‌در میان مسلمانان خواهد شد. (حجت الاسلام والمسلمین علیزاده موسوی، دبیر کنگره جریان های تکفیری)

3.6.سایرراههای مقابله با تروریسم تکفیری تروریسم تکفیری یک طرح خطرناک نه فقط برای مسلمانان که برای همه انسان ها است.تروریسم تکفیری فقط خطری برای مقاومت و یا واکنشی در مقابل آن نیست بلکه همه لبنان وکشورهای عربی و اسلامی و کشورهای جهان را تهدید می کند و خطری برای اسلام ناب محمدی(صلی ا علیه وآله) است.تروریست های تکفیری، شیاطین و حیواناتی وحشی درلباس مسلمانان هستند که به خود رحم نمی کنند پس چگونه می توانند به دیگران رحم کنند.امروز در جهان ملاحظه می کنیم، همه کسانی که بهائی سنگین درمقابل تروریسم تکفیری می پردازند، همان کسائی هستند که تروریسم تکفیری را ایجاد و از آن حمایت کرده اند و اکنون علیه خود آنها اقدام می کند.تبیین آموزه های اساسی اسلام حقیقی از سوی مراجع و نهادهای شناخته شده دینی و نشر آن را اولین راهکار و کوتاه کردن دست نا اهلان از تسلط بر مراکز دینی ، مساجد و منابر را دومین راهکار مقابله با اندیشه افراط گرایی و تروریست های تکفیری معرفی کرد. نخبگان جهان اسلام باید در این زمینه به چاره اندیشی بپردازند. در این تحقیق چالش‌ها و راهکارهای برون رفت از پدیده تکفیر و جریان‌های خطرناک همسو با آن را، مورد بررسی قرار دادیم . چالش‌های جریان‌های تکفیری از منظر رهبری در سه حوزه قابل بررسی است: یک در سطح باورها و اعتقادات: جریان‌های تکفیری، از توحید و شرک و سایر مفاهیم دینی، درک ناقص و بدعت‌آمیز و غیر عقلانی دارند. دو چالش اخلاقی: مهمترین خصوصیت جریان‌های تکفیری، «جهالت» و بی خبری و نوعی خباثت درونی است که منجر به دوری از حقیقت و بی تقوایی و سقوط در ورطه رذیلت و تباهی

شده است. سه چالش‌های رفتاری: مهمترین ویژگی جریان‌های تکفیری، ستیزه جویی، خشونت، فساد انگیزی، ترور و جنایت و خونریزی، ایجاد کننده تفرقه میان مسلمانان، نابود کننده تمدن و فرهنگ اسلامی و غیر اسلامی، تقویت کننده دشمنان اسلام را، می‌توان نام برد. در عرصه راهکارهای فکری ـ فرهنگی برای مقابله با جریان‌های تکفیری، امت اسلامی باید به تقویت تقریب مذاهب اسلامی، گفتگو و تفاهم بر سر مشترکات، پرهیز از اختلاف افکنی و نمودهای تشدید آن، بازگشت به قرآن و فهم دقیق رویکردهای قرآنی در جلوگیری از تفرقه و اتحاد دنیای اسلام را، در دستورکار و عمل خود قرار دهد. در عرصه راهکارهای سیاسی ـ اجتماعی جهان اسلام باید همگرایی و وحدت میان مسلمین، آگاه سازی نخبگانی، لزوم شناخت و طرد دشمن را جزء کارویژه‌های اساسی و محوری خود قرار دهد. با بکار بستن راهکارهای همگرایانه در جهان اسلام ریشه جریان‌های تکفیری خشکانده می‌شود

هوشیاری نسبت به عملکرد دستگاههای جاسوسی که در برخی از کشورهای اسلامی در پوشش تاسیس مدارس دینی افرادی را بر اساس تعالیم انحرافی و اندیشه های افراط گرایانه به نام رجل دینی تربیت می کنند، به عنوان راهکار سوم مقابله با تروریسم تکفیری است جریانهای تروریستی در جهان اسلام به وسیله بعضی از دولتها و دستگاهها حمایت مالی، معنوی و سیاسی می شوند دولتها و رهبران صلح خواه جهان باید جلوی حمایت از این جریانها رابگیرند و تلاش کنند که منابع مالی آنها خشکانده شود.

دولتهایی که در مبارزه با این پدیده جدی هستند و نه آنهایی که برخلاف مخالفت ظاهری در خفا از آنها پشتیبانی می کنند، گردهم آیند و برای مبارزه با تروریست های تکفیری جبهه ای متحد تشکیل دهند.پراکندگی جهان اسلام و تفرقه بین کشورها و ملتها زمینه ساز شکل گیری تروریسم تکفیری است و امروزه برای مقابله با این جریان باید به یکی از ضروریات مورد تاکید قران و رسول اکرم (ص) بازگشت که «وحدت و یکپارچگی مسلمانان » است.به کرات مشاهده شده رسانه‌های محدود جبهه مقاومت بارها توانسته‌اند با روشنگری و افشای ماهیت و رفتار پلید تکفیری‌ها به تنفر عمومی علیه آنها دامن بزنند تا آنجا که حتی برخی از مراکز جهانی هم در این باره مجبور به همراهی و محکوم کردن تکفیری‌ها شدند که این مسئله هر چه بیشتر و در ابعاد دیگر باید دنبال شود. همچنین جلوگیری از گسترش اندیشه وهابی است که مردم را با روشی انحرافی و اشتباه تربیت می کند و جلوگیری از کمک های مالی و حمایت های سیاسی و نظامی منطقه ای و جهانی از آن است.(شیخ نعیم قاسم معاون دبیر کل حزب ا) آشکار شدن ماهیت و برنامه‌های احتمالی آینده تکفیری‌ها و کم‌وبیش آشکار شدن تهدید جدی آنها در آینده برای کشورهای منطقه و جامعه جهانی در بین حامیان آنها به غیر از عربستان شک و تردیدهای جدی رخوت‌آوری ایجاد کرده که فرصت بزرگی برای زدن ضربات نظامی به آنها است. تسلط نسبی ارتش سوریه در مناطق درگیری و دست برتر آنها نشانه مثبتی برای امید به پیروزی نظامی است که باید

بر دامنه آن افزود و کشورهای حامی سوریه به ویژه کشورهای مسلمانی که «تروریسم تکفیری» برای آنها خطر امروز و فردا است باید برخورد جدی‌تری با این موضوع داشته باشند و سوریه را یاری کنند. چنانچه از راه‌های مقابله به خوبی استفاده شود و حرکت «تروریسم تکفیری» شکست بخورد، با فراهم شدن زمینه ادامه حرکت بیداری اسلامی به سوی کشورهای مرتجع، سرنگونی و یا تحولات بنیادی قدرت در برخی از آنها قطعی خواهد بود. چنین پیامد بسیار مبارکی اهمیت توجه به راهکارهای پیش‌برنده را دو چندان می‌کند.

4. بحث و نتیجه گیری

ما در شرایطی به سر می بریم که متأسفانه جریان های افراطی با استفاده از تفرقه جهان اسلام و چندگانگی و پراکندگی دولت های اسلامی سعی در ایجاد تنش در جهان اسلام، متلاشی کردن ملت های اسلامی و ایجاد جنگ داخلی دارند. برای اینکه دشمن خارجی جهان اسلام بتواند به سادگی بر جهان اسلام تسلط پیدا کند، اقتدار جهان اسلام را از بین ببرد، ثروت های جهان اسلام را غارت کند و همچنین مسلمین را در عقب ماندگی نگه دارد بهترین روش برای رسیدن به این اهداف، ایجاد تفرقه در جهان اسلام با ایجاد جنگ های داخلی است.دشمنان برای اینکه این جنگ داخلی و تفرقه را به وجود بیاورند از جریان های افراطی استفاده می کنند جریان هایی که سایر مسلمین را تکفیر می کنند و ریختن خون و اموال مسلمانان را حلال می دانند و با حلال کردن خون مسلمانان نسبت اقدام به ایجاد جنگ در کشور های اسلامی می کنند. این اقدامات ضد بشری که بوسیله گروهک های تکفیری نظیر داعش به وجود می آید باعث اختلاف در جهان اسلام و از بین رفتن اقتدار جهان اسلام می شود که بزرگترین خطری است که امروز ملت های مسلمان و جهان اسلام را تهدید می کند. در حال حاضر يكي از عوامل مهم فتنه گري در منطقه جريان سلفي تكفيري است كه در لباس دفاع از سنت، عملا در مسير منافع غربيان گام برمي دارد. حضور اين افراد در محافل و جوامع و انتشار آثار و فرآورده هاي فرهنگي آن در برخي از مراكز، باعث جلب توجه برخي از جوانان پرشور كه از اقدامات سركوبگرانه اشغالگران به ستوه آمده اند، شده است و براي رهايي از اين فشار، زمينه را براي گرويدن به اين جريان هاي افراطي مناسب ديده اند. بايد توجه داشت يكي از مهمترين اقدامات فرهنگي كه مي تواند در مواجهه با چنين برداشت هاي نادرستي از اسلام و سنت به كار آيد استفاده از همه امكانات و ظرفيت هايي سازمان هاي تقريبي است. البته بايد در نظر داشت كه بروز برخي از تحريكات غلوآميز برخي از شيعيان در ايجاد حس نفرت و بدبيني ميان اهل سنت نيز در شدت بخشيدن به اين مسئله بي تأثير نبوده است. متحد شدن دولت ها و قدرت های اسلامی در راستای مبارزه با افراطی گری و تروریسم اولین و مؤثر ترین گامی است که باید برداشته شود باید سیاست ها و برنامه ها واحد باشد.ما از تفرقه و هر اقدامی که موجب پراکندگی جهان اسلام می شود جلوگیری کنیم مذاهب مختلف

اسلامی هم توحید و هم نبوت رسول اکرم (ص) و هم قرآن را قبول دارند همه نماز می خوانند و قبله واحد دارند بنابراین اینها باید یکدست و متحد شوند. همچنین یک هماهنگی بین المللی برای فشار بر دولت ها و قدرت هایی که از این جریان ها حمایت می کنند به وجود بیاید، بی شک جریانی مثل داعش و جبهه النصرة و جریان های افراطی گری دیگری که در منطقه ما وجود دارند اینها بدون حمایت ققدرت های بزرگ و برخی قدرت های منطقه ای نمی توانند رشد کنند باید حمایت های سیاسی، مالی و تسلیحاتی از اینها برداشته شود و این نکته نیز مستلزم یک هماهنگی بین المللی است. کشور ها باید یک جبهه واحدی برای مقابله با تروریسم تشکیل دهند زیرا تروریسم همه را تهدید خواهد کرد. امروز روشن شده که تروریزم و افراطی گری تروریستی مرز نمی شناسد و اگر این فاجعه و غده سرطانی انتشار بیشتری پیدا کند همه را تهدید خواهد کرد و حتی اروپا و آمریکا را نیز تهدید خواهد کرد.

5. منابع

1. ابوذر ابرا هیمی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگیwww. com. tasnimnews

2. شیخ نعیم قاسم معاون دبیرکل حزب ا لبنان ir.yjc.www

3. آیت ا محسن اراکی دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی «اسلام علیه افراط گرایی دینی و تروریسم»com.taghribnews.m

4. حجت الاسلام والمسلمین علیزاده موسوی، دبیر کنگره جریان های تکفیری com.hawzahnews

5. دکتر محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام www. com.Tasnimnews